

سلطنت در آن گذرد و بدلهای عایا از اخلاق و اشفاق عادلانه حاکمانه شان  
ممدوح بودند و باره این ملک را از قدم خود بجز مندر فرمودند و ایسرهای  
و گورنر جنرال بنده شدند و عهد این عالم با نام و خرد بسا امور فلاح انگیزه  
بنصه ظهور جلوه گشتند زبان مروج این ملک نیز زبان پشتو و ملک پنجاب را  
خوب میدانستند و با مردم این ملک از سر کمال اخلاق که شیمه کریمه جناب  
ایشان بوده است بالتفات تمام هم کلام میشدند و از آنجا که دریافت مراد است  
ولی و مقاصد قلبی عایا پسین نتایج زبانذانی ملک است مقاصد و مراد است  
هر یکی با حسن وجهی فهمیدند و بغایت جواب با صواب شروع آرزوی <sup>اهل</sup>  
حاجت بجزو بار شفقت و عنایت سرسبز میگروانیدند از وفور اخلاق و زبانذانی  
جناب ممدوح اکثر عمائد و رؤسا بلکه عامه مردم رعایا گرفتار سلسله محبت  
عایا جناب ممدوح گشته بودند مراسم ربط و ارتباط بار و ساوا اهل ملک

بتائید حسن اخلاق و مکارم اشفاق جناب مدوح بیشتر از بیشتر مہمد و شید گردید  
 اکثر روسا و راجگان عالی شان را منصب حلیل ممبری کونسل نواختند <sup>لط</sup>  
 سابقہ سرکار ہمارا جہ نیال از مزید ترقی با سرکار گورنمنٹ عالی از حسن اخلاق  
 جناب مدوح حاصل آمد و با سرکار امیر کابل مبانی محبت و موافقت بر حسب <sup>اتم</sup>  
 موسس دیدہ ما تشریف آوری امیر صاحب مدوح در ملک کار بلاقا  
 والا جناب و ایسرا و گورنر جنرال لارڈ میو صاحبانہا بالقبابہ اتفاقاً از نتایج حسن تدبیر  
 ارتبا کثیر جنرال لارڈ لارنس صاحبانہا در بود بعد تشریف بر جناب مدوح از ہندوستان  
 از مگر ہ بفعل سید از بسکہ تزیید مرا محبت وفاق و شید منا موافقت <sup>ص</sup> و اتفاقاً <sup>ع</sup>  
 روسا ہند پسند خاطر فیض مظاہر داشتند آخرین حسین سلوک جناب مدوح باروسا <sup>انجا</sup>  
 تسہیل مہات و مشکلات حضرت پادشاہ جمہا اوہ است کہ قریب اختتام زمان  
 فرمانفرمانی تحقیق مزید و اجرائی انین جدید آن شوار پہارا آسان فرمودند

و نیز روابط و الفت با حضرت پادشاه حجابہ قصبی مرتب فرمودند تا آنکہ باب  
 ملاقات باین حضرت پادشاه حجابہ و صاحبان و الاثان گورنر کہ از روز رونق  
 افروزی حضرت پادشاه بدر الامارہ کلکتہ فرا زماندہ بود بن توجہ حسدات  
 و شقاق جناب مدوح مفتوح گشت و مرتب واد و استجار حضرت پادشاه حجابہ  
 مدوح سجدی مدعی فرمودند کہ سجدی مدعی فتیابی مقدمہ پادشاه حجابہ خلعت فاخرہ  
 یازدہ پارچہ از طرف لازم الشرف گورنمنٹ عابراقم آنم عنایت و رحمت گردید  
 و بتاریخ بہم خوری ۱۸۹۱ء سجدی مدعی و شصت و نہتہ علیو ہاتخا از ان منصب بعد  
 جلو افروزی عالیجناب بندگان و الاثان معالی القاب بن نویمان عظیم الشان  
 مشیر خاص ریجنل کمشنر حضرت ملکہ معظمہ فیع الدرہ پنجم کلکتہ ان شرف الامرا  
 نواب راتھ انزل ازل ان میو بہادر و یسری و گورنر جنرل مالک سہند  
 درین کشورستان ملازمان محترم الیہ بکھفتہ درمان ایوان گورنری اقامت و رتبه

بادبان عزیت بسوی انگلستان برافراشتند در وقت نهفت فرمائی  
 از ایوان گورنری تا گهاٹ پرنسب ساحل دریا انتظام و استقامت افواج  
 ہندوستان و انگریزی از بھرخصت و سلامی انقدر گردید کہ در وقت  
 ترخیص گورنران مابوق مذین بودم حافظ حقیقی سلا متش دارو و بعد ترخیص  
 فرمائی جناب ہلیدی صاحب بتاریخ اول مئی ۱۸۵۹ء از بل پشیر گرانٹ  
 صاحب بہادر منصب پید لٹننت گورنری ملک بنگالہ عزیمت فرمایند  
 انصرام رون وقت گورنٹ بنگال از حسن تج بیریشان بچان شائستہ پنجن  
 ظہور رسید کہ جلد رعایای این ملک مسرور و خرسند از ان ماندند و نیز ہمین توجہ  
 ایشان در کار خانہ تجارت نیل برای صلاح و فلاح عامہ رعایا منظم و نسوق  
 جدید پیدا آمد ہنوز ایام خدمت لٹننت گورنری سپری نشدہ بود کہ بعضی سبب  
 ضروری تعفی شہ ۲۲ اپریل ۱۸۶۲ء بولایت شریف بروند

عهد نفی گورنری بنگاله از نسبت دوم اپریل ۱۸۶۲<sup>۸</sup> متعلق بنات  
 نجیب صفات از بل سیل بیڈ نصاحب که نهایت زیرک و فرزانه  
 و زبده عقلای مانده اند که ویدایشان چهل سال درین ملک انصرام <sup>صب</sup> مشا  
 و خدمات جلیله فرمودند و از عتفوان شباب تا عهد پیرانه سالی ملاحظه  
 هر گونه حالات و کیفیات اینچنان نمودند و با وصف عدیم الفرستی که از خود  
 اشغال حکومت و فرمانفرمای میداشتند در همین <sup>زبان</sup> تحصیل علم پارسی  
 پرداختند و نبدی از زبان عربی هم حاصل ساختند و زبان <sup>مرح</sup> اردو  
 اینک کج حرف میزدند امروزه سواراجگان اینک با بفرط اخلاق خلی خود  
 داشتند از باب حاجت اسبب بازمانی ایشان موقع عرض اظهار <sup>لب</sup> مطا  
 تار ب حصول جواب با صواب هر یکی از ان بوجه حسن دست میداد  
 طمع و الای ایشان از بسکه انصاف دست خواهان فاه خلایق اقتاده <sup>بود</sup>

برای ملاحظه حسن سلوک حکام و خبرگیری احوال رعایای هر مقام بدوره اصلاح <sup>بنگاله</sup>  
 در اوقات مناسب یا ده از آنچه معمول لغتنت گورنران پیشین زمان بود  
 پرداختند و کافه رعایا و جمهور برای ای هر سمت ابداد و بی نصفت گستر  
 می افتند کثرت و ده فرمای ایشان گورمنت رعایا منافع حدید <sup>میرساند</sup>  
 مردم کوه سیاه و کوه شمالی آشام در رعایای منی پور علاقه چهار که سرشور  
 برواشته بودند اصلاح و انسداد و مفاسد آنهمه اقوام همین بهمت <sup>نهمت</sup> والا  
 ایشان بوجه شایان صورت بست و آتش فتنه ساکنان کوه گیر و قوم انگامی <sup>ناگامی</sup>  
 باشنده طرف شمالی چهار و کویان چانگام نیز بآب تدبیر  
 صاحب ایشان فرشتت حد و بندی میان سرکار گورمنت <sup>چیر</sup> اجیر  
 در علاقه ترانی نیپال و سلع تربت به تجدید وقوع آمد و بمیان حسن انتظام  
 همین لغتنت گورنر والا مقام رسم و شرعی <sup>خلایمان</sup> و کنیزان که بعلاقه

کوچ بهار جاری میبود کلیته برانداخته شد و محکمه از طرف سرکار در مقام کوچ بهار  
 قرار گرفت و بجای مسکه را چه آنجا مسکه گورنمنت مروج گردید و نیز اسکولها  
 و شفاخانهها در بعضی مواضع و قریب بعهد حکومت همین لفتننت گورنر بهادر  
 بنا نهاده شد و از نتایج ترغیب و صلاح نیک همین لفتننت گورنر بهادر بود  
 که صاحبزادگان عالیجناب ابهت و جلالت آداب نواب ناظم مرشد آباد  
 عمان بهت و الا نهت را بسیر تفرج و ولایت انگلستان منعطف فرمودند  
 و الازین پیش آمدی از اولاد امرای هند پیشین شرگزار او دول نهادند  
 غرض که بسا اموخیر فلاح و در عهد حکومت این لفتننت گورنر بهادر اجرا یافته که از  
 ریویرهای گورنمنت تشریح آن میتوان دریافت چون ایام فرمانفرمانی این  
 لفتننت گورنر بهادر قریب بانقراض سید از اتفاقات تقدیر محط ساد و ملک کشت  
 آمد و سجدی امتداد داشته اند که یکسایه مردم آن ملک از بلای گرسنگی

جان آوند و از نایابی سدر متی معروض ملاکت افتادند هر چند نواب گنج زهر حنجر  
 بهادر و نواب لغت گور زرها در و دیگر حکام و الامتاقم در حفظ جان  
 این بیچارگان نوعی از مساعی تدابیر فرنگداشتند و بار سال غله و <sup>سرخه</sup>  
 اسباب خمر و نوش همت الالهت اباقصی مراتب بر گماشتند اما بحکم  
 قضای نبشته نباید سرود و فع این قضای آسمانی بلای ناگهانی هیچ تدبیر  
 صورت پذیر نگشت اگر چه آفت قحط سال مقام میدنی پور و ناگپور  
 علاقه پنه هم کم نبود فاما نه بان حد که در کثک ظهور آمد اول کثک امسا  
 باران چندان گردید که فلک بی مهر بر حال ارطهوفان آنجا قطره اشکی بجز  
 هم نمی افشاند سپس بعکس آن کثرت طغیانی باران سیلاب نیز جهان  
 اشتداد رود و از مزیع آرزوی منتظران رعیت هر قدر از بسوختن  
 امساک آب باقی مانده بود سیلاب طغیانی باران پاکش بود بعضی کسان



درینجاوه نسبت بجناب نواب لفتنت گورنر بهادریب با اعتراض کشاوند  
 و گفتند که جناب ایشان را چهست تدارک آن بلا و تشریف برون بوقع  
 و ارواح لازم بود چرا از فرستند بنظر اقم این اعتراض معترضان محض بجا  
 و سر اسرار و امی نماید زیرا که بلاکت مردم کثکث از خصوصاً حاکمان و اشراف  
 سر بر زو بلکه قضایای آسمانی و بلائی جهانی تیری که از کمان قضایای حاکم و الامت  
 چگونه آتی قضا را بازمی آشتند و هرگاه ظاهر است که در آنوقت بسیاری  
 از عمائد و رؤسای بلند نام دیگر نیز با عانت انبای حبس نمود در صورت  
 موقوفه و نکر و دنیا نچه در اضلاع پنه صرف بمن است و اعانت رؤسا  
 هر گونه حفظ و صیانت ماند و بمقام با ژده علاقه پنه راستم متکفل این حفظ  
 صیانت گردیده بود و حکام و الامت مقام که نظر شفقت شان بر حال  
 رعایا از ماور و پدر هم زیاد تر بندول می باشد در چنین حالت

مخصه چگونه و قیقه از وقایع سیاسی و تدبیر نامری میگذاشتند و پرتو افتاب

عنایت راز شبستان احوال آن فلک زوگان سیه بخت بزوی

دین میداشتند بتاریخ بست سوم اپریل ۱۸۶۴ء جناب انزل

سیسل بیڈن صاحب بهضت فرمای ولایت شدند جمله عماید و روسا

و راجگان و امرای عالیشان راز تشریف برمی چنین حاکم با خلق و خیر

ناسف و ملال و انگیر حال گشت اول عماد و راجگان امر اور و سانی

عالیشان بکمال اهتمام و خواهش تمام برای ترخیص محشم الیه جمع آمدند پس کنگا

برای ساختن تصویر محشم الیه بطور یادگار مستر ارداد چند چنانچه

ز توجیه آن بتایند رئیسان راجگان علاقه تحت گورنمنٹ بنگاله فرام

و آن یادگار ساخته و در ایوان لفتننٹ گورنری مسمی بلوچستان

آویخته شد بعد از آن بتاریخ ۲۳ اپریل ۱۸۶۴ء

این منصب بسبب نفیث گورنری از جلوه امسروزی جناب

سرولیم گری صاحب بھادری در رونق تازہ یافت بہت والای

مدوح ایہہ را نیز در منفعت گورنمنٹ و رعیت مدام می بینم

ذکر حالات عالیجناب نواب معالی القاب لارڈ

میو صاحب ہما در ویسری گورنر خیر حال ام و ولتہ زاو<sup>صوتہ</sup>

ہر چند حکومت فرمان والی جناب محترم ایہہ را ہنوز عرصہ قلیل گذ

و بدیہت امور متعلقہ انتظام مکراری اجرائی قوانین مقرر فرماید رعایا کہ

مکنون و پیشینہا و خاطر عاظرانوالاجناب می باشد چنانکہ باید از کمرن قوتہ بفعل نیامدہ

فانابصدیق اینکہ سالیکنہ حکومت از بہار شش پیداست شتمہ از رعایت

بحال عایا نیست کہ بحال کشادہ رونی و محاسن اخلاق و حفظ مراتب

رؤسا و شرفای مملکت ہند را باریاب شرف ملازمت خویش می فرمایند

و علی قدر الرتبه بیدل مدایج نوازش و تفضلات و تفقد حالات هر یک را

عزت می افزایند و شایسته از تدابیر ملکی نیست که هنگام ملاقات رئیس

افغانستان امیر شیرعلیخان بر عایت نورلوازم محترم و هماننداری

اهتمام بلیغ فرموده دل ایشانرا بدست آوروند که هر آینه اینمعنی شرمسار

مستافع حالی و مالی با مور متعلقه حدود سلطنت مهتد تواند بود

و همچنین انتظامی که باخیان رونق اندر وزی جناب مصلی القاب

شاهزاده دیوک آف ایڈن برابها در بالقابه مشر مودندراشم

با وجود حضور می آستان ایوان گورنمنٹی از عهد لارڈ مینک صاحبها و

بیچگاه چنین حشمت و جبروت در بار خاصه در بار اجلاس خیمه گاه

که از نتایج فراست این عالیجناب بوده بحشم ندیده ام و ذکر تفصیلی آن

در همین دریقات قریب ترمی آید انشاء الله تعالی با بجمله چون سکنائی بلاد

حکومت وسیع الارجای ہندوستان از تقریباً نائب السلطنہ محترم علیہ  
 بعدہ جلیلہ گورنری این مملکت سرمایہ افتخار جاووان حاصل گشته  
 کہ از بدو تسلط سرکار بقر و ہند چین رئیس عالی دوومان برین منصب  
 شرک کمتر نامزد گردیدہ ناگزیر برای آگہی مردم این اقلیم تحریر مختصری  
 از حالات حسب و نسب عالیجناب مدوح مستحسن نمود مختصری مبنا  
 کہ نام نامی و خطاب گرامی اینجناب والا نسب اینست آرٹامیو  
 ستر ریچارڈ سٹوٹہ و نیل برک کی پی) و آئسکوٹ  
 میو پیکن نیاس کوکے لڈیو یکل از نامی مرا می آیز لڈ  
 افر ای پی سی ال ال ڈی و ایسری گورنر جنرل ہند  
 ولادت باسعادت این ایس کبیر تاریخ بست و یکم فروری سنہ یکہزار  
 ہشتصد بست و دو سیع اتفاق افتاد و تاریخ دو از وہم گشت

سنه پچہزار ہشت صد شخصت و ہفت عیسوی جناب معزی ایسہ

بواسطہ سلسلہ نسب پدری بدرجہ آمل رسیدند و جناب <sup>ن</sup> آمل

آمل ششم بودہ اند و بتاریخ سی و یکم اکتوبر سنہ پچہزار ہشتصد

چہل و ہشت عیسوی با غنیفہ عصمت قباب بی لاناك

جولیا و خستہ سوم جارج لارڈ لینکن فی لڈ عقد

ازدواج بستند و با فضال ایزد بہمال کثیر العیال اند و اسامی

گرام فرزندان ارجمند این رئیس بہت بلند حسب تفصیل ذیل <sup>ست</sup>

پسران

سال ولادت

نام

ڈیرمٹ سرائیٹ وینڈم ۲ - جولای ۱۸۵۱ عیسوی

لاکر ڈنیاس

مارش آرچی بالڈ ۲۲ اکتوبر ۱۸۵۳ء عیسوی سے

انجمن ہندی ۲۸ اکتوبر ۱۸۵۴ء عیسوی سے

ٹریس تھیو بالڈ ۲- اپریل ۱۸۶۵ء عیسوی سے

دختران

نورۃ مسیحا ۱  
ایوا کنسٹینس این ۲

تاریخ ۳ می ۱۸۵۱ء وفات یافت

۳  
فلاکریس بلانک مذکورہ

وجناب معظم ایہ از نامی منتظمان سلطنت از جانب گلارین

وکارن مؤقفہ ورجسٹری پارلیمنٹ مسترد ماندند و در سال

یکہزار ہشت صد پنجاہ و دو عیسوی بعدہ سکرتری اعظم آئرن لڈ متنا

بودند و بار دیگر در ۱۸۵۸ء و ۱۸۵۹ء عیسوی و بار سوم از ۱۸۶۶ء

تھا شدہ ہیں منصب جلیل بذات نبیل این جناب عالی شان مفوض ماند  
 کہ ہمد رین اثنا بعین گورنر خیرل ہند نامزد گشتند و در سال  
 یکہزار ہشت صد شصت و ہشت عیسوی بلقب کی کے لقب شدند

### نسب نامہ لارڈ محتشم الیہ

این سلسلہ نسبی میک و لیو برکک و سلسلہ کلاری گارڈینی  
 ہر دو از خاندان ولکوفنٹراڈلیم ڈی برکک  
 کہ بعد اشرافیت و در سال یکہزار یکصد ہفتاد و ہفت عیسوی خیف گورنر  
 آئرلند بودند و سر تھیو بالڈبرک رئیس مقام آرڈناری کی کہ سببی از  
 آئرلند برخاستہ در اسپین رسید و فلپ ثانی ویرامار کوئین  
 مہم ساختند و آخر شخص از خاندان میک ولیم بزرگ آئرلند بوجا  
 برک اسکوئی پسر سوم تھیو بالڈبرک رئیس منی کرا و واقع



کلیسین ہم سرحد میو از سلسلہ برگ ہاسی بالین سوب و شروان کہ از خاندان

مک ولیم برگ میباشند با یام مصائب آرنلڈ در سال ہزار شصت

چهل و یک عیسوی بچکانی رسالہ مار کوپس آت ارمنڈی بودہ و بعد اختتام

آن مصائب می بقام کل کہ متصل کلڈیر است مقیم شد و بکتھسین

دختر میلزنی انکوویز کہ دختر برادر سربال ڈیوس بود کتھد اگر دید

واز بطن می سه سپروسہ دختر پیدا شد پسر اول مایٹلیس کہ در محکمہ

کامین پلیز آرنلڈ گرسٹیتز بود پسر دوم والش کہ منی کراور

وکل باوراشہ رسیدہ و مسامہ ان دختر ابرٹ انزلے

زیندار بالی سونان ملصق کلڈیر اینزنی گرفتہ و از وی و دختر بزرگ

بنام میدنی زوجہ سربال نشتی مرنے و کوچک زو

مستراستافورڈ و یک پسر بود ستمی تھیو بالڈکل اینزنی کہ

باورسیده بود و در اسپنی بجز از مقصد پنجاه و یک عیسوی وفات یافت

پس سوم تھیو بالڈ زمیندار پامرسٹن او از جانب ابالی نیاس ممبر

پارلیمنٹ بود و در اسپنی بجز از مقصد بست و شش عیسوی وفات یافت

ریچارڈ برک اسکوتل ال ڈے پسر تھیو بالڈ برک

باکھن بن و ختر چارلس منچن اسکوتل زمیندار لینکلن

ملصق شپری کتخا شد و پسرش رایت انڈیل جان برک

زمیندار کل و منی کراور که از جانب نیاس ممبر پارلیمنٹ بود و در سال

یکهزار و هفتصد بست پنج عیسوی سماءه میں سے سوی ختر و از و

رایت انڈیل جوزف ڈین را که در لندن بعلاقه خزانه سرکاری

لار و چیف بیرن بود بعثت نکاح آورده صاحب اولاد گشت و سماءه

مذکورہ بتاریخ بست و یکم جولای سال یکهزار و هفتصد و چار عیسوی فوت نمود

تفصیل اولاد رایشان نزل جان برك

پسران	دختران
۱ جان جانشین پدر خود	۱ کهرمین تاریخ وفاتش ۱۰۴۱ هجری
۲ جوز و خیم آرخ شپ پوان	۲ الیزبته
۳ و جانشین آریل سوم	۳ مارگیش زوجه سترامش کومین
۴ ریچارڈ	۴ الیاناز
۵ تامس تاریخ وفاتش ۱۰۶۶ هجری	

مستز برك که یکی از ابالی پر وی کونسل آرنند بود بتاریخ یکم اگست  
سال پجزار هفتصد و هشتاد و شش عیسوی در سلک امرای سلطنت مسلک  
بیرن نیاس که متصل کلڈیر است ملقب گشت و بتاریخ سیزدهم جنوری  
سنه پجزار هفتصد و هشتاد و یک عیسوی به خطاب و آنکونث میثو

رئیس منی کرا اور مخاطب شد و بتاریخ بست و چهارم جنوری سال یکہزار  
 ہفتصد ہشتاد و پنج مسیحی ازل ان میو گرویدہ بتاریخ دوم و ستمبر  
 سال یکہزار ہفتصد نو و عیسوی وفات یافت و پسر کلانش جاسین وی  
 گروید جان ازل دوم باہ فروری سال یکہزار ہفتصد شصت و چہار  
 عیسوی بالیدی منیری لیسٹ و ختر جون ازل ملتون  
 کتھا شد و چون اولادی نگذاشت خطابش بہ بر اور وی رسید  
 جون ٹین آچ بشپ توان ازل سوم بودہ و دو سال  
 یکہزار ہفتصد شصت عیسوی الینٹا کہ ختہ سر لچارڈ  
 مید پینٹ ہمین یکی و خواہر جان ازل اول کلاند ولیم  
 بودہ بزنی گرفت و از صاحب اولاد شد و الینٹا  
 بتاریخ سیزدہم مارچ سال یکہزار ہفتصد ہفت عیسوی وفات  
 یافت

## تفصیل اولاد جوزف دین

پسرا اول جان اول چارم پسر دوم سر چارڈ بشب اثر فوت

ولیمو ر بتاریخ بست دوم اپریل سال پچہز ایشصدت ہفت

عیسوی پیداشد و بتاریخ بستم مارچ سال پچہز ایشصدت نو و پنج عیسوی

مسماة فرانسس و خردوم ر ابرٹ فولر آج

بشب ڈبلن ر اینکاح خود آورد و بتاریخ پانزدہم نومبر سال

پچہز ایشصدت سی و دو عیسوی فوت کرد و اولاد ذیل گذاشت

و مسماة فرانسس و سال پچہز ایشصدت بست و ہفت عیسوی فوت <sup>نمود</sup>

## تفصیل اولاد ریچارڈ

پسرا  
ر ابرٹ اول پنجم

و خیران

ملذیرت زوجه رابرٹ یونیک زمیندارا و وپوس منصل و اثر فور و

تاریخ فوت رابرٹ یونیک سال یکھزار شصت

پنجاه و یک عیسویت

و این ملذیرت و خوہرانش را بسبب بودن خیران ال بتاریخ

۱۹- اکتوبر ۱۸۴۹ بر خاتونان دیگر منزلت اندوده شد

فرانسس که بتاریخ و ہم چون سال یکھزار شصت چیل شش عیسوی

بزکاح ولیم هنری کارٹر زمیندار گزشتن مارٹین که متصل کلڈیر است

درآمد و بتاریخ بست و یکم جنوری سال یکھزار شصت پنجاه و شصت

عیسوی از پنجاهان در گذشت

گتھردین که در سال یکھزار شصت عیسوی بزکاح ریور و ہنری

پر فی پری کہ پاڈری محسد نیو کیشل کہ متصل ملک است در آن

پسر سوم از اولاد جوزف ڈین مسی جوزف پاڈری

ڈین اوسری در سال یکہزار ہفتصد و ہفتاد و یک پیدا شد و در سال

یکہزار ہفتصد نو و نہ عیسوی مسماة مسی و خست کلان منجملہ

وارث سکویل گارڈن کٹر زمیندار را بہ نکاح آورد

و از صاحب اولاد شدہ بتاریخ سوم می سال یکہزار ہشتصد

بہمیل و نہ عیسوی وفات یافت

تفصیل اولادش

سکول گارڈن کٹر ہائی ٹریپ گلسٹر در سال

یکہزار ہشتصد سی و نہ عیسوی با جار چٹنا سیٹیں دختر

بزرگ جان ولیم آرل چہارم رئیس بس برہ نکاح کرو و از او

صاحب اولاد گشته بتاریخ سوم جنوری سال یک هزار و شصت و شصت و عیسوی  
وفات یافت و زوجه اش بتاریخ بست و پنجم جون سال یک هزار و شصت و  
شصت و یک عیسوی فوت نمود

### تفصیل اولاد اسکول گارڈنز

پسران

سیسئل فرڈرک جوزف

در سال یک هزار و شصت و چهل و یک عیسوی

پیداشت

هدی گارڈنز جان

بتاریخ بستم جون سال یک هزار و شصت و

چهل و سه عیسوی پیداشت و بتاریخ

پنجم جنوری سال یک هزار و

شصت و شصت

عیسوی بمرد



یک پسر دیگر که در سال پانزدهم  
پناه و یک عیسوی پیداشد

و خزان

فرانسس

لوسی

جان ولیو پاتری کتر آفرین پسر دوم جوزف مین الیزبته شارلت  
و خرفوزف در سال پانزدهم پناه و هشت عیسوی فوت کرد  
مارگیت و خردومی جوزف در سال پانزدهم پناه و پنج عیسوی  
فوت نمود جارج تھیونالد پاتری پسر چهارم از پسران جوزف مین  
که بتاریخ پانزدهم اپریل سال پانزدهم فوت شد و عیسوی پیداشد و مسماة  
اگستا جارجین و خردوم تامس و بی ستر اسکور را در سال پانزدهم  
هشتصد و سی و پنج آورده بتاریخ نهم دوم و سیم سال پانزدهم